



اتومبیل رانی زنان مشهدی

تغییر میدان اجتماعی شدن از کوچه به فضای مجازی

دوره کودکی یا دوره نوجوانی تان

را به یاد می آورید؟ آن سال ها

که کودکان در کوچه ها بازی

می کردند: هفت سنگ، فوتبال،

معلم بازی و ... کوچه فضایی بود

برای اجتماعی شدن افراد ...



خرده روایتی از زبان همسر خلبان شهید محمدعلی حسین پور

محمدعلی هم مانند خیلی از پسر ها، از کودکی رؤیای خلبانی داشت، اما پایه جفت برای خواسته اش تلاش کرد و درس پرواز خواند. قرار بود برای دوره عالی خلبانی هواپیماهای سی ۱۳۰ به آمریکا برود، اما برای پرواز اول، باید ریسمان دلش را در وطن محکم می کرد...



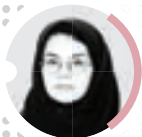
یک صندلی زنانه

گفت وگو با مهندس راضیه علیرضایی، نخستین بانویی که
عسال رئیس سازمان صنعت و معدن استان بوده است

عکس: مهدیه غفورزاد شیراز

(آفاق)

هدی جاودانی
مترجم



جای خالی زنان در فضای آکادمیک

زنان سیاه پوست، زنان کشورهای کم درآمد، زنان ناتوان جسمی و دیگر زنان اقصای به حاشیه رانده شده تشدید نیز می شود. برای نمونه، فقط نیم درصد از استادان مدارس پزشکی ایالات متحده زنان سیاه پوست هستند، در حالی که روی هم رفته زنان ۲۲ درصد از استادان پزشکی را تشکیل می دهند.

افزایش مسئولیت های زنان در دوران حضور زنان در جایگاه تصمیم گیرنده در سلامت جهانی « نشان می دهد که زنان در دوره نگه داشته است. پژوهش زنان در سلامت جهانی » نشان می دهد که زنان در جایگاه تصمیم گیرنده در فرایند انجام تست و وا کسیناسیون به افزایش اعتماد عمومی به خدمات عمومی حوزه سلامت و هم چنین خدمات تشخیصی زنان می انجامد. برای تحقق مشارکت حداکثری زنان در فضای آکادمیک و در نقش های مدیریتی، اقدامات متعددی می توان صورت داد. فراهم آوردن دسترسی به خدمات نگهداری از فرزندان، برچیدن محدودیت ها هنگام استخدام یا توزیع مسئولیت های حرفه ای و کاهش شکاف درآمدی از اقداماتی است که می تواند در سطح سازمانی در این راستا صورت بگیرد.

در سطح فردی، مشارکت پدران در امور خانه می تواند به اثربخشی هرچه بیشتر زنان پژوهشگر بینجامد و در سطح جهانی، همکاری های سیاست های حمایتی از زنان برای پیشرفت در فضای آکادمیک می تواند راهگشا باشد. در روز جهانی « زنان و دختران در علم، کووید ۱۹ باری دیگر یادآور شد که ما به همه استعداد های ممکن، اعم از زنان و مردان، روی نیمکت های آزمایشگاه ها و پشت میزهای تصمیم گیری نیاز داریم.

امسال روز جهانی « زنان و دختران در علم » به زنان دانشمند خط مقدم مبارزه با کووید ۱۹ اختصاص پیدا کرده بود. موانع و چالش های پیش روی زنان در علم، از سال ها پیش از شیوع همه گیری کرونا وجود داشته است، اما اکنون با افزایش نابرابری های اجتماعی و حرفه ای، به ویژه در فضای آکادمیک و فرایند تحقیق و توسعه و اکسن و هم چنین در سطوح مدیریتی، بیش از گذشته خودنمایی می کند.

زنان تنها ۲۸ درصد از نیروی کار رشته های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات را تشکیل می دهند و این درصد مشارکت در سطوح مدیریتی کاهش چشمگیری نیز پیدا می کند. در طول سالیان، با وجود افزایش تعداد زنان دانش آموخته در این رشته ها، این آمارها تغییر چندانی نکرده اند. طبق گزارش یونسکو، از آغاز همه گیری، زنان رشته های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات تألیفات کمتری داشته اند، به آن ها درآمد کمتری پرداخت شده است و آنان در مسیر حرفه ای شان پیشرفتی نداشته اند.

قرنطینه های سراسر دنیا به یکی شدن فضای شغلی و خانگی انجامید و بسیاری از زنان پژوهشگر و فعال در فضای آکادمیک، ناگهان با انبوهی از مسئولیت های بیشتر اعم از نگهداری تمام وقت از فرزندان، سالمندان و دیگر اعضای خانواده روبه رو شدند. این مسئله باعث شده است زنان دانشگاهی در محیط کار عقب بیفتند و اثربخشی شان کاهش پیدا کند. به گزارش مجله نیچر، با اینکه زنان از سال ۲۰۱۵ تنها حدود ۲۰ درصد از مقالات فضای پژوهشی را تألیف کرده اند، این تألیفات درباره پژوهش های مرتبط با کووید ۱۹ فقط ۱۲ درصد بوده است. از طرف دیگر، چالش های حیطه آکادمیک برای

کاش کرونا سال ۶۹ آمده بود!



روزنامه نگار
(یادداشت)
(حمید وحیدی)

وسواس گونه، ساعتی تصاویر به جامانده از بیماری های واگیر را در تاریخ جست و جو می کردم و هر بار ذهنم برخی معادلات مجهول و بی هویت را که هیچ جور شانه به شانه هم نمی ایستادند کنار هم می چید و نتیجه ای حاصل نمی شد اما توی یک لح بازی، نه از سر بیکاری، بلکه برای رمزگشایی از یک اتفاق در آن از برف و باران خبری نبود، به خودم احسنت بگویم اما یکبار به وسط اعداد و ارقام قرن ۱۹ میلادی چشمم به پسر نوجوانم افتاد که با سر چنان توی تلفن همراه فرو رفته بود که نه صدایی می شنید و نه بی شک، دلش می خواست کسی صدایش بزند. همین شد که دلم صدایی می شنید و نه بی شک، دلش می خواست کسی صدایش گوشه آن خانه قدیمی بنشانم و صاف زل بزنم توی چشمش و منتظر باشم تا عصر بچه ها دور حیاط بزرگش وول بخورند و برای اثبات داشتن ۷ تا سنگ، بالنگ کفش و جارو دنبال هم بیفتند!

آرزوهای یک دانش آموز است. بی گمان اگر آن سال ها کرونا آمده بود، وقتی از لیمان دور هم می افتادیم تا در نهایت زد و خورد دق دلی های کودکانه مان را خالی کنیم، به جای کلمه « صدام یزید کافر » کرونا را نثار هم می کردیم. راستش هر جور فکر می کنم کرونا سال ۶۹ انگار خوش قیافه تر و خوش تیپ تر از سال ۹۹ بود، به ویژه با آن ماسک هایی که از گوشه و کنار پارچه های اضافه و ملحفه های نمور ته صندوق خانه ها درمی آمد تا روی دهانمان را ببندد و بعد، بی اجازه و بواشکی دل بدیم به حیاط خانه و در یک سرمستی و فراغت از تکلیفی که دیگر قرار نبود بنویسیم، یک سال تمام دور هم زندگی کنیم.

بالاخره اعداد و ارقام نتیجه ای نداد و رابطه ای بین سال هایی که بیماری هایی واگیر در آن ها رخ داده اند پیدا نمی کنم اما با شوق اینکه کرونا را به سال های کودکی ام برده ام دلم غنج می رود. چشم می چرخانم. پسر من هنوز توی موبایلش است. یکی از شبکه های اجتماعی را با تلفن همراه باز می کنم. در یکی از گروه های بانوانی که اتفاقا همه افرادش بیش از ۱۶ سال درس خوانده اند و دکتر و مهندس زیاد به چشم می آید کسی می نویسد: طبق اعلام سازمان بهداشت جهانی، جمعیت ایران در سال ۲۱۰۰ میلادی به ۳۰ میلیون نفر می رسد. یک نفر زیر همان متن جواب می دهد: ای بابا! در این شرایط اقتصادی حالا باید به ۷۰۰ سال دیگر هم فکر کنیم! همان کسی که اولین پست را نوشته است ندتند تایپ می کند: خانم عزیز! ۷۰۰ سال نه، ۷۹ ساله دیگر!

یکبار « ۷۹ سال » توی گوشم تکرار می شود. بر می گردم به آن حیاط قدیمی و بچه هایی که حتی در کرونا سال ۶۹ هم کنار هم می چرخیدند.

نمی دانم چند تا آدم مثل من این بخت را داشته اند که وسط خانه شان یک حوض چهار گوشه داشته باشند و بعد ۳۰ سال درباره درختان گیلاس و آلبویی که کسی اجازه نداشت از آن بچیند جوری بنویسند که هر بار دل خودشان و اطرافیان شان پر بکشد به آن خانه قدیمی که برف روزهای بهمن ماهش دل آدم را چنان آب می انداخت که التماس کند به پدر و مادرش و از آن زرده بان چوبی برود بالا، شاید فقط ساعتی تا زانو توی برف گیر کند. چه حس باشکوهی بود تماشا ی خانه های اطراف و بچه هایی که از پشت پنجره اشاره می کردند یک گلوله برفی از آن بالا وسط حیاط پرتاب کند. صبح های سردی که تن آدم را می لرزاند از شوق چسبیدن انگشت ها به هم و بخار دهانی که گرم می شد از نفس هایی که آدم برفی درست می کردند. خانه ای که خاله ها و دایی ها هر کدام یک گوشه اش را گرفته بودند و دل تنگی تنها مفهومی بود که کسی از آن سر در نمی آورد، آن وقت ها که مرگ هم غریبه بود و باور نمی کردیم یک روز شاید همدیگر را از دست بدهیم، آن هم به فاصله دنیا تا قیامت.

حالا در خیالم کرونا آمده بود توی آن خانه قدیمی و کسی حق نداشت پایش را از آن حیاط بیرون بگذارد اما چه فرقی می کرد برای ما که یک گردان بچه بودیم و با اولین نور خورشید، چشممان به پنجره های نیمه باز یکدیگر بود. برای ما بچه های دهه های ۵۰ و ۶۰ که تنها تعطیلی روز آخر اسفند حتی از آن اندک عیدی روز اول سال هم با ارزش تر بود، یک سال تعطیلی مدارس بدون اینترنت چه غوغایی می توانست بکند! مایی که کتاب های قطور آن سال ها را چنان زیر و رو می خواندیم که مبادا یک خطش جا بیفتند. هر سال توی گوشمان می گفتند دکتر شدن منتهای

(پرتو)

نخیمه ترکمن نیا
دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری



زنان و امنیت فضاهای شهری

کرد و در فضاهایی که نظارت محلی کمتری وجود دارد، از طریق نصب دوربین ها خلأ نظارت را جبران کرد. با توجه به برآورد نیاز واقعی زنان و حجم بهره برداری آن ها، تأمین تسهیلات دسترسی دیگر به ویژه تکمیل شبکه های پیاده راهی امن با عرض و کف سازی مناسب می تواند حضور هرچه بیشتر و مؤثرتر زنان در اجتماع و فضاهای شهری را افزایش دهد. هم چنین طراحی مناسب وسایل حمل و نقل عمومی اعم از تعداد و اندازه صندلی ها، ارتفاع پله تا کف زمین، ارتفاع میله های داخل اتوبوس ها، تعداد مناسب واگن های مخصوص زنان در مترو، رنگ آمیزی مناسب این وسایل و ... بر ایجاد حس امنیت و آسایش زنان مؤثر است.

در زمینه فضاهای شهری مسکونی و تجاری، ارتقای آگاهی زنان از محیط و فضای شهر از طریق روشنایی استاندارد و نورپردازی های مناسب، تعداد بیشتر نشانه ها و تابلوهایی که باعث خوانایی بیشتر محیط و امنیت می شود و گره های روشن در ساعات تاریکی مثل ایستگاه های اتوبوس، روزنامه فروشی ها، ایستگاه های امداد رسانی و ... ایجاد تنوع در کاربری های محله ای باعث حضور افراد محلی و در نتیجه امنیت می شود. رها شدن ساختمان های نیمه ساخته به مدت زیاد، مخل امنیت است. امنیت در بافت مسکونی از طریق حفظ تداوم بصری و محیطی و اتصال املاک به یکدیگر همچنین جلوگیری از ازدحام و تراکم بالا برای حفظ امنیت شهر اهمیت دارد.

به دلیل حضور روز افزون زنان در شهر و مشارکت آنان در فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، احساس امنیت در محیط شهر و رفت و آمدهای شهری از مهم ترین نیازهای روزمره آنان است که باید مورد توجه برنامه ریزان شهری قرار گیرد، ایجاد محیطی ایمن که مردم را جذب و به پیاده روی (بدون ترس و حس ناامنی) و توقف و در نتیجه تعامل اجتماعی بیشتر تشویق کند. در واقع، نه تنها به ارتقای کیفیت عمومی فضاهای شهری کمک می کند، بلکه به واسطه افزایش شمار مردم ناظر و حاضر در محیط، می تواند زمینه بروز گرایش های توسعه ای را گسترش دهد. بر اساس تئوری نیازها در هرم مازلو در ۱۹۶۸، امنیت یکی از نیازهای ضروری و پایه ای برای تعالی انسان تلقی می شود، درست شبیه نیازهای فیزیولوژیک که برای تداوم حیات ضرورت دارد. ارتقای این مؤلفه بر سلامت و سعادت انسان ها و در نتیجه بر جامعه تأثیر مستقیم می گذارد. مؤلفه های ارتقای امنیت زنان در شهر، همان مؤلفه های فضای امن شهری است به علاوه تسهیلات راهبردهایی که متناسب با نیاز زنان باشد. در زمینه حمل و نقل شهری نیازمند سرویس دهی منظم هستیم به ویژه در ساعات هایی که زنان رفت و آمد بیشتری دارند، هم چنین افزایش ساعت های سرویس دهی بعد از تاریکی. تأمین روشنایی معابر در شب نقش مهمی در ایمن سازی گذرگاه های عابر پیاده دارد. در طراحی فضاهای عمومی باید اشراف و نظارت محلی را رعایت

تغییر میدان اجتماعی شدن از کوچه به فضای مجازی



عکس تأییدی است



دکتر مهتاب علی نژاد
جامعه‌شناس

دوره کودکی یا دوره نوجوانی تان را به یاد می‌آورید؟ آن سال‌ها که کودکان در کوچه‌ها بازی می‌کردند: هفت‌سنگ، فوت‌بال، معلم بازی و ... کوچه فضایی بود برای اجتماعی شدن افراد. آن‌ها در کوچه و از طریق تعامل در بازی‌های کودکانه یا همراهی‌های نوجوانانه بزرگ شدن را فرامی‌گرفتند. میدان یا همان زمینه گفت‌وگوها و تعامل بزرگسالان هم شب‌نشینی‌های خانوادگی یا دوستانه بود. تعطیلات یا یان هفته پارک‌ها و ویلاقات اطراف شهر رونق می‌گرفت و مردم زنبیل به‌دست و خانواده همراه، در دامان طبیعت به بازی و گفت‌وگو و دیدار گرد هم می‌آمدند. در این سال‌های تقریباً دور خبری از تلفن همراه و اینترنت نبود، تلویزیون و رادیو تنها رسانه‌های جمعی خانواده‌ها محسوب می‌شدند و سریال‌های تلویزیونی و داستان‌های اِزبازی برای انتقال تجربه‌ها و سبک زندگی‌های متفاوت در میان مردم بودند. تا پای خبر تلویزیون نمی‌نشستید یا به سفر نمی‌رفتید، از احوال دیگر اقوام و وقایع مختلف در سطح شهر یا کشور مطلع نمی‌شدید. به مرور زمان، ابزارهای ارتباطی و روش‌های مختلف جامعه‌پذیر شدن نیز تغییر کرد.

نوجوانان امروز با فراگیر شدن استفاده از تلفن همراه، بیشتر زمان فراغت خود را در شبکه‌های مجازی و اینترنت سپری می‌کنند. مسیر جامعه‌پذیری از میدان و زمینه تعامل رودرو و مستقیم در کوچه‌ها و زمین‌های خاکی فوت‌بال محله یا کلاس‌های آموزشی هنری، به فضاهای مجازی و تعامل‌های غیرمستقیم انتقال یافته است. علاوه بر آن، شرایط ویژه‌ای نظیر بحران کرونا قالب کلاس‌های آموزشی و هنری حضوری را نیز به غیرحضوری و اینترنت تغییر داده است. اگر در گذشته والدین امکان نظارت بر همبازی‌های فرزندان خود و زمین بازی یا گفت‌وگوی آنان را داشتند و می‌توانستند نظارت حداکثری بر رفت‌وآمدها و گروه‌دوستان داشته باشند یا می‌توانستند با رفت‌وآمدها و شب‌نشینی‌های

الهام یوسفی
فعال فرهنگی
شهرزاد

زنی با ظاهر جنگنده و روح گریان!

ما آدم‌هایی علاقه‌مند به تاریخ اما کم‌حوصله هستیم. دوست داریم بدانیم در ۴ سوی جهان چه اتفاقاتی در طول تاریخ روی داده است اما حوصله نداریم سراغ منابع برویم و اصل قصه را دریا بیم. ما آدم‌های کم‌حوصله بهتر است به جای خواندن روایت‌های سخت تاریخی، از مسیر قصه به تاریخ پل بزنیم. البته که هیچ‌وقت نباید مسیر قصه را به راه فهم درست تاریخ تعبیر کرد اما این مسیر دست کم این امتیاز را دارد که برای برخی پرسش‌ها و ابهام‌های ما پاسخ‌هایی ددستی و ساده بدهد، پاسخ‌هایی که ما را به سمت خوانش جدی‌تر تاریخ ببرد. پس حتی آدم‌های بی‌حوصله هم لازم نیست مسیر علاقه‌شان را تغییر دهند یا کنجکاو و پرسش‌های تاریخی‌شان را نادیده بگیرند بلکه باید اندکی تغییر مسیر دهند و به جای مراجعه به کتاب‌های تاریخی، برای فهم و درک نسبی تاریخ سراغ داستان بروند. باز هم تکرار می‌کنیم که داستان‌های تاریخی منابع مناسبی برای ارجاع نیستند چون به طبع با تخیل نویسنده

خانواده‌هایی که با آن‌ها در تماس بودند و پاتوق‌های حضوری تحقیق و مراقبت داشتند، امروزه باید در باره فضاهای مجازی که با اتصال به اینترنت در دسترس نوجوانان قرار می‌گیرد تحقیق و مراقبت کنند. متأسفانه از آنجا که مشکلات اشتغال و اقتصادی امروزه والدین را به شدت به خود مشغول کرده، فرصت آنان برای نظارت بر نوجوانان در مقایسه با گذشته کاهش یافته است. از سوی دیگر، تحصیلات و دستیابی به همین رسانه‌های مجازی سبب شده است شناخت بیشتری از فرزندپروری داشته باشند. این شناخت می‌تواند در مسیر تحقیق درباره میدان‌های جدید اجتماعی شدن و رشد فرزندشان به آنان اطلاعات بدهد و یاری رساند. یعنی اگرچه وسایل ارتباطی اینترنتی مخاطرات متعددی ایجاد کرده، به همان نسبت می‌توان گفت رفا و دسترسی‌پذیری‌های مفیدی در مسیر فرزندپروری به وجود آورده است که اگر والدین دانش استفاده از این ابزار را فراگیرند، خواهند توانست با نگاهی آگاهانه‌تر بر مسیر رشد فرزند خود نظارت کنند و از دغدغه‌های نگران‌کننده پرورشی در عصر کنونی بکاهند. می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که والدین امروزی با ابزارهای اینترنت‌محور و نظارت بر فرزند خود دارد، نداشتن دانش کافی درباره نحوه استفاده از این ابزارها و چگونگی برقراری ارتباط از این طریق به نوجوان یا کودک خود است. آنچه والدین گمان می‌کنند بین آنان و سبک فرزندپروری‌شان گسست و اضطراب مضاعف ایجاد کرده است نه تنها این ابزارها و میدان‌های جدید و فراگیر بلکه تسلط نداشتن بر این ابزارهاست. آیا شما به عنوان مادر یا پدر می‌توانید بدون نیاز به کمک فرزندتان اینترنت منزل یا تلفن

همراهتان را فعال یا موضوعی را در گوگل جست‌وجو کنید؟ آیا با روش‌های محدودسازی دسترسی به برخی سایت‌ها یا کانال‌های نامناسب برای فرزندتان آشنایی دارید؟ آیا مهارت استفاده مناسب از تلفن همراه را می‌دانید؟ امروزه که زندگی بیشتر جامعه به فضاهای مجازی گره خورده است و دیدارها و گفت‌وگوها و آموزش‌ها بدون اینستاگرام، تلگرام، واتس‌آپ و سایر میدان‌های اجتماعی مجازی به امری تقریباً ناممکن تبدیل شده است، نمی‌شود از تغییرهای جافته‌فرار کرد زیرا قسمت اعظمی از زندگی روزمره در همین میدان‌های فراگیر انجام می‌شود. به‌ویژه در شرایط بحرانی کنونی، از خرید و فروش مواد غذایی گرفته تا خودآموزی‌ها و کلاس‌های درس، به دانش درباره این میدان‌های اجتماعی و حضور در آن‌ها وابسته است. جدا از اینکه چه آسیب‌هایی خانواده‌ها، نوجوانان و روابط اجتماعی را در این میدان‌ها تهدید می‌کند شایسته است با توجه به نوع و میزان استفاده‌ای که از این وسایل ناگزیر ارتباطی دارید، به محاسن و کاربردهای مثبت آن‌ها نیز توجه کنید. سپس با در نظر داشتن کاربردهای مثبت و بررسی جنبه‌های منفی و آسیب‌زا بکوشید دانش خود را درباره استفاده روزمره این میدان‌های اجتماعی افزایش دهید. نمی‌شود نیاموخت و بیرون گود نشست و برای نوجوانان ابزارنگرانی کرد که میدان‌های اجتماعی فرامشی و اینترنتی به آنان آسیب می‌زنند. قطعاً آسیب‌هایی نیز وارد می‌کنند، اما نقش شما به عنوان آسیب‌هایی نیز وارد می‌کنند. سپس با در نظر داشتن کاربردهای مثبت و بررسی جنبه‌های منفی و آسیب‌زا بکوشید دانش خود را درباره استفاده روزمره این میدان‌های اجتماعی افزایش دهید. نمی‌شود نیاموخت و بیرون گود نشست و برای نوجوانان ابزارنگرانی کرد که میدان‌های اجتماعی فرامشی و اینترنتی به آنان آسیب می‌زنند. قطعاً آسیب‌هایی نیز وارد می‌کنند. سپس با در نظر داشتن کاربردهای مثبت و بررسی جنبه‌های منفی و آسیب‌زا بکوشید دانش خود را درباره استفاده روزمره این میدان‌های اجتماعی افزایش دهید.

اصلی باشید اما باور کنید هیچ کتاب تاریخی‌ای نمی‌تواند مثل این قصه به شما جزئیات را بگوید و از احساسات عمیق یک جاسوس پرده بردارد. در ضمن، این را هم در نظر بگیرید که راوی، خود، جاسوس است و ممکن است روایت قصه به قوت قصه‌هایی که تا کنون خوانده‌اید نباشد، اما آن‌قدر کشش دارد که یک‌نفس تا آخر بخوانید و نقاط ضعفش را فراموش کنید.



روح گریان من
• نویسنده: زینت اهل‌آسی
• مترجم: فرشاد رضایی

ایران‌دخت



غلامرضا آذری خاکستر
رئیس پژوهش‌فرهنگ

اتومبیل‌رانی زنان مشهدی



امروزه خودرو و روش استفاده از آن با زندگی روزمره مردم گره خورده است. وقتی حدود ۱۱۹ سال پیش نخستین خودرو وارد ایران شد، به مرور به سایر نقاط ایران هم رسید. به نظر می‌رسد نخستین خودرو اواخر قاجار وارد مشهد شده است. روزنامه نوبهار ۲۶ صفر ۱۳۳۲ ورود نخستین خودرو به مشهد را در گزارشی شرح داده است: چند روز قبل یک دستگاه اتومبیل از راه تهران وارد مشهد شد. این اول اتومبیلی است که به خراسان آمده و مقدم آن را باید محترم شمرد زیرا شمایل میمون اتومبیل دلیل هیکل مقدس ماشین‌های بخاری و ترن‌های زیننده است. صاحب اتومبیل دکتر پوزین آلمانی، نماینده فابریک، است. این اتومبیل از انزلی به رشت و قزوین و از آنجا به همدان و اصفهان و شیراز و کرمانشاه و عراق و تهران سیر کرده و از طهران هم به مشهد آمده است. طول مسافرت اتومبیل از طهران تا مشهد ۱۹ روز بوده ولی حساب پیمایش راه و حرکت اتومبیل کلا در تمام مسافرت ۴۲ ساعت بوده است.

این خودرو حدود یک ماه در مشهد توقف می‌کند. سپس از راه تربت و کاشمر، به کرمان می‌رود و از آنجا به یزد و از یزد به اصفهان و از آنجا به بغداد. به نظر می‌رسد مأموریت دکتر مزبور را جع به امور تجارتی است.

با زیاد شدن تعداد خودروها گاراژهایی در مناطق مختلف مشهد ایجاد می‌شوند که محل جابه‌جایی و حمل‌ونقل مسافران و زائران حرم مطهر از مشهد به دیگر مناطق مختلف ایران هستند. تهران، تبریز، قزوین، قم، اصفهان، افغانستان، یزد، زاهدان، بیرجند و ... به طوری که اوایل قرن حاضر، ۲۰ گاراژ در نقاط مختلف از جمله خارج دروازه ارگ، خیابان تهران، خیابان سفلی، بالاخیابان، فلکه جنوبی و خیابان طبرسی قرار داشته‌اند.

گاراژهای اطمینان، سعادت، توسلی، توکلی، نشان، وطن و حسینی از قدیمی‌ترین گاراژهای مشهدند. در سال ۱۳۱۲ در شهر مشهد ۱۵۳ خودرو شخصی و ۱۳ اتوبوس وجود داشته است. با ازدیاد ماشین‌ها علاقه مردم به آموزش رانندگی شکل می‌گیرد و سال ۱۳۰۴ شهر مشهد شاهد تأسیس نخستین آموزشگاه رانندگی است.

پرنده نخستین بار در شهر مشهد آموزشگاه رانندگی دایر می‌کند. این آموزشگاه به احتمال در سال ۱۳۰۴ خورشیدی راه‌اندازی می‌شود و به دارالشوهر پرنده مشهور بوده است. در دوره پهلوی اول، شاهد تأسیس آموزشگاه رانندگی برای بانوان شهر مشهد هستیم. روزنامه آفتاب شرق ۸ بهمن ۱۳۱۵ با انتشار متن آگهی افتتاح آموزشگاه رانندگی ویژه بانوان، به اطلاع شهروندان رسانده است: برای کمک به پیشرفت بانوان، پرنده، متخصص فن اتومبیل‌رانی، با تصویب بانوی خود، حاضر شده است خواتین محترمه را در مقابل ۵۰۰ ریال حق‌التعلیم، در ۳۵ مشق، کاملاً رانندگی و جزئی میکانیک لازم را با اتومبیل کالسکه نو بیاموزد. آموختن میکانیک کامل اتومبیل مستلزم پرداخت ۲۵۰ ریال حق‌التعلیم و ۱۳۰ ساعت وقت است. به منزل پرنده واقع در خارج، دروازه سراب، اراضی سعادیاد، مراجعه و برای اخذ توضیحات دیگر، تلفن نمایند.

(۴)



شهربانو

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب‌امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرمسئول و سردبیر:
سید هادی فیاضی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی



راه‌اندازی ۴۰ دانشگاه ویژه زنان در ۴ دهه گذشته

نیره قوی، رئیس پژوهشکده فرهنگ و دین، گفت: در مجلس شورای اسلامی ۲۰۰ مصوبه قانونی درباره بانوان به تصویب رسیده است. هم‌چنین تعداد دانشگاه‌های ویژه زنان قبل از انقلاب تنها یک مورد بوده که پس از انقلاب به ۴۰ دانشگاه رسیده است.